

حکمتیست هفتگی ۸۶

۲۶ اکتبر ۲۰۱۵ - ۵ آبان ۱۳۹۴
دوئشنبه ها منتشر میشود



گرامی باد نود و هشتمین سالگرد انقلاب اکتبر! زنده باد انقلاب کارگری!



وقتی که کفگیر به ته دیگ میخورد!

فواد عبداللهی

پس از تصویب برجام در مجلس، خامنه ای ضمن تایید آن، نامه ای با شرایط ۹ گانه به روحانی نوشته است و روحانی هم پاسخ داده است. زجه ها و درد دلهایی که از یکسو مهر پایان داعیه ها و پزدادن های "گشایش اقتصادی و سیاسی" در جمهوری اسلامی را بر خود دارند و از سوی دیگر هشدار میدهند که بیش از این نمیتوان هندوانه زیر بغل ملت گذاشت. ناسلامتی قرار بود برجام، مملکت را گل و بلبل کند، حال باید مواظب شعله کشیدن توقعات مردم باشند! اکنون به دنبال بروز دپرسیون خامنه ای - روحانی، چپ و راست، از ماله کشان توده - اکثریت و "اصلاح طلبان" چموش تا توله سگ هایی مانند کیهان شریعتمداری و دلواپسان، همه به ول وله افتاده اند و شروع به تکرار درد دلهای "آقا" و آسید کرده اند. هر کدام به نوعی بی افقی کل حاکمیت را جار میزنند. معلوم شد وعده "لغو تحریمها"، "گشایش اقتصادی" و "شکوفایی و توسعه" چیزی جز سر کار گذاشتن جامعه و فراهم کردن شرایط دور دیگری از استثمار و سودآوری سرمایه از گرده کارگر و مردم محروم ایران نیست. اکنون اهداف این توهمات و نمایشهای مسخره آشکار شده است. این مهمترین فاکتوری است که همه جناحهای بورژوازی ایران با عمامه و بی عمامه را به دولا و راست شدن پشت سر خامنه ای و به "اتحاد عمل" و به خط شدن با شرایط "خطیر" امروز میکشاند.

مستقل از آن، واقعا وضعیت اینها دیدن ندارد؟ کو آن همه عربده کشی و آی نفس کش سردادن روحانی که میگفت در عرض ۱۰۰ روز مشکلات را حل میکنند؟ یادتان هست یک دورانی سید علی میگفت هرکس با آمریکا مذاکره کند با القابای سیاست آشنا نیست؟ اکنون شخص شخیص یک تنه در راس برجام و به چپ چپ و به راست راست کردن اپوزیسیون و پوزیسیون بورژوازی ایران قرار گرفته است. کجا رفت "عزت اسلامی" و مدیریت جهان اسلام؟ زپلشک! آرمانهای "انقلاب اسلامی" و "امام امت" در یک "نرمنش قهرمانانه" هسته ای و با تایید مصوبه "برجام" مجلس توسط شورای نگهبان، بار دیگر همه تو زرد از کار درآمد. ...
صفحه ۲



مسئله فلسطین، مسئله طبقه کارگر است

امان کفا

دولت اسرائیل اعلام کرده است که تصمیم دارد حق شهروندی فلسطینی های شرق اورشلیم را بازبینی کند. امری که بدنبال خود، محدودیت های جدی علیه این مردم در حق برخورداری حتی حداقلی از امکانات رفت و آمد و کار در اسرائیل را بشدت افزایش خواهد داد. این تصمیم، جدا از عملی شدن و یا نشدن آن، بخشی از حمله همه جانبه تر دولت صهیونیستی علیه مردم فلسطین، و بیرون راندن آنها از خانه و کاشانه شان است. این تهدید، در ادامه حملات پی در پی، پرواکسیون نیروهای نظامی و فاشیستی اسرائیل، و دامن زدن به ناامنی و دستگیری و کشتار مردم فلسطینی است. زد و خوردهای اخیر، و رشد فزاینده زخمی شدگان و کشته شدگان، به حدی است که آمریکا، متحد پایه ای و بلامناع اسرائیل را مجبور کرده است تا جان کری را بدنبال راه حل فوری به دیدار با ناتیا هو و حاکمان در اردن، عربستان سعودی و عباس بفرستد.

در مجموع، ضمن ابراز ناراضی از خشونت افسار گسیخته نیروهای اسرائیلی!!، توافق شده است که دوربین های مدار بسته تحت مسئولیت اردن نصب شوند و دولت صهیونیستی هم توافق کرده است تا لاید به این ترتیب همه بینندگان تصاویر این دوربین ها، متوجه حسن نیت دولت صهیونیستی و اعمال تروریستی جوانان فلسطینی باشند.

بی شک اینکه حول چه اتفاقی، دور اخیر تقابل با دولت اسرائیل شروع شده است تعیین کننده نیست. در واقع، فاکتورها و عوامل معین تری در این دوره امکان حملات اخیر دولت صهیونیستی را فراهم کرده اند: ...
صفحه ۴



چاره ای جز پیروزی جلوی روی ما نیست!

مصطفی اسدپور

سالهای جاری به عنوان سالهای سیاه در تاریخ معاصر ایران ثبت خواهد شد. دستمزد کارگران چقدر باید باشد؟ آیندگان در مطالعه این سوال آرشیبو روزنامه ها در سال ۱۳۹۴ را ورق خواهند زد، بایگانی مجلس و ادارات و نهادها را بررسی میکنند، رویدادها و کشمکشهای سیاسی را کنار هم قرار خواهند داد. پاسخ این سوال آنها را به یک لجنزار از حیات انسانی رهنمون خواهد شد. هیچ چیز پوچ تر از سخن راندن در مورد سرنوشت مشترک یک ملت، یا در مورد سرنوشت مشترک مردم یک سرزمین نیست. جامعه طبقاتی است. نیروی محرک بورژوازی را فقط سود تشکیل میدهد. وارونگی این جامعه مرزهای عقل و ترحم و شرافت را بهم میریزد. ناسیونالیسم جنون میافریند، مالیخولیای مذهبی چشم بصیرت را کور میکند. اما در عین حال آنچه در چهارچوب تعیین دستمزد پایه کارگران در سال آینده میگردد تمام این مرزها را پشت سر میگذارد.

تمام مقامات و نهادها از هر میکروفن و هر چهارپایه و هر نشریه در یک جهاد مشترک تمام فضای جامعه را در قرق خود درآورده اند. مضمون این جهاد در یک جمله خلاصه میشود: ...
صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

خودشان هم میدانند که قرار نبوده و نیست که آبی از این "برجام" برای مردم ایران گرم شود. تنها ظاهر اقتصاد و فرهنگ اسلامی را با یک تشریفات آبرومند رنگ کردند. جمهوری اسلامی و ارزش هایش در مقابل نسلی که به ایدئولوژی اسلام بدهکار نیست به زانو درآمده است. اینها در مقابل اپیدمی فلاکت و بیکاری طبقه کارگر، در مقابل خشم فروخورده زنان و جوانان این مملکت، گرم کرده اند. چه "برجام" تصویب میشد چه نمیشد جمهوری اسلامی نمیتوانست پشت اسلام سنگر محکمی بگیرد و گله های سپاه و انصارالله اش با همان حق بجانبی گذشته، پشت "معروفات" و "منکرات" و "مرگ بر آمریکا" ظاهر شوند. وقتی خامنه ای یک روز پیش از تصویب برجام، بحث چگونگی استحاله "نرم" رژیم را پیش میکشد دیگر بسیجی و حزب اللهی، اصولگرا و دلوپس سگ کیست؟! این رژیم و آن روتوش کثیف اسلامی، با هدف شکست کامل انقلاب ۵۷ ایران، پس زدن "خطر" کمونیسم و سرکوب طبقه کارگر و نهایتاً بازگشت سرمایه داری ایران به بستر اصلی خود یعنی کلپ "جامعه جهانی"، ساخته پرداخته شد و امروز بعد از انجام آن وظیفه تاریخی، در هماهنگی کامل با بورژوازی بین المللی بعنوان یکی از دوستان غرب و محورهای "ثبات در منطقه"، علیه مقاومت و "خطر داخل" و سرکوب آن، با ظاهر و شمایل "خوشخیم" به بازار عرضه شده است. به این اعتبار، عر و تیز های امروز سران حکومت اسلامی همه برای مصرف داخلی است و عموماً برای کشیدن دستی روی سر چفیه به گردن های دفتر شریعتمداری و لولو خورخوره دلوپاسان است که کمی تا قسمتی اینروزها پریشان حال شده اند. تضمین رام کردن این طیف چماق بدست و چاقوکش در کوتاه مدت و برای روز مبادا و باز کردن قلاده آنها در فردای بعد از "برجام" و انداختنشان به جان هر اعتراض اجتماعی بر سر

مطالبات رفاه، آزادی، تشکل، برابری، تحزب و اعتصاب ... است. از این لحاظ دلوپاسان دست از شامورتی بازی بر سر تصویب "برجام" بردارند، زیاد به خودشان نگیرند. جایگاه و استخوانشان نزد "آقا" و پیش بورژوازی ایران کاملاً محفوظ است. تاریخاً اتکا بورژوازی به گانگستریسم سیاسی در صحنه سیاست ایران همیشه لازم بوده است. در دوران حکومت شاه، دار و دسته های شعبان بی مخ ها، ساواک و نهادهای امنیتی، روحانیت، مساجد و تکایا، موی دماغ ازادیخواهی در آن جامعه بودند، امروز هم در جمهوری اسلامی سپاه، وزارت اطلاعات، آخوند و نهادهای مذهبی ادامه همان امر "مقدس" اند. بورژوازی ایران بدون این نهادها اساساً اموراتش نمیگذرد.

اما خیل "اصلاح طلبان"، کهنه پاسدارها، نو مهندس دکترها، توده - اکثریتی ها، و تمام مهره های ریز و درشت این نهضت روشنفکری اسلامی، از گنجی و سروش ولتر و مغز متفکر حجاریان، تا نگهدارها و لمپن پهنودها، اینها هراندازه هم از سیاستهای داخلی و بین المللی دوره خمینی فاصله بگیرند، هرچقدر خواهان بهبود رابطه با غرب باشند، "معتدل و میانه رو" بشوند، منادی گشایش سیاسی و اقتصادی باشند، هرچند بار کشتی به لجن نشسته بورژوازی ایران و دولتش را به آبهای "جامعه بین المللی" بیندازند و هرچقدر شکست ایدئولوژیک شان را رفو کنند و از ظریف و مصدق و امیر کبیر مجسمه بسازند، اما باز در انتهای این مسیر در مقابل مطالبات فروکوفته طبقه کارگر ایران و جبهه برابری طلبی کفگیرشان به ته دیگ میخورد. ضرورت ایجاب میکرد برای آتیه این جمهوری کار ویژه ای میکردند: تصویب "برجام" پاسخ این ضرورت بود و بس! هدف مشترک دولت اینها با کاپیتانی "آقا" و محور رفسنجانی - روحانی، دادن سیگنال به غرب برای معامله بود. در کنار ادامه دخالت در صحنه سیاست خاورمیانه، مذاکرات و توافقات هسته ای حاوی

پیام سران اصلی رژیم برای کنار آمدن با غرب به قیمت بقاء رژیمشان بود. تصویب "برجام" تحقق این سناریو بود. از طرف دیگر، کل این اپوزیسیون قانونی و پرو دولتی امروز در رکاب خامنه ای میگویند که "حل مشکلات تنها در مسیری ۲۰ ساله ممکن است"، "وضعیت شکننده است"، "دولت حقوق کارمندان شرکت نفت را هم ندارد"، "دولت از بانکها قرض میکند"، "دلار سیر صعودی دارد"، "گرانی حتمی است"، "دولت به این زودی نمیتواند مشکلات را حل کند"، "باید جنس و مواد اولیه بیاید"، "بعید است دولت در شش ماه بتواند اشتغال ایجاد کند، رشد اقتصادی ایجاد کند یا تورم را کم کند" و ... و نهایتاً به قول حجاریان "این دولت تنها شانسش اگر دارد اینست که بی بدیل است!" به زبان بی زبانی پلهای پشت سر و پیش رو، خراب شده است؛ تقی شأن در آمده است؛ "برجام" و رژیم اسلامی آخرین خندقشان است؛ همه میدانند که اگر در این اوضاع و احوال یکدست و متحد پشت جمهوری اسلامی و "آقا" ظاهر نشوند و زبانشان لال بلایی سر دولت بیاید فاتحه سیاسی کل این جبهه با عمامه و بی عمامه خوانده شده است. حتی اگر دوره ای غرب و آمریکا میتوانستند محمل و عامل پیش بردن تعرض نیم بندشان به جمهوری اسلامی را از مسیر "موازین دموکراسی و حقوق بشر" پیش ببرند، امروز اما این روزنه هم با بازگشت رژیم به آغوش "جامعه جهانی" بسته شده است. اکنون دولت عربستان سعودی چقدر محکوم به نقض "دموکراسی و حقوق بشر" است جمهوری اسلامی هم به همان اندازه! به این اعتبار، بعد از "برجام" مردم بدون هیچ حفاظ و حایلی در مقابل جمهوری اسلامی و کلپ "جامعه جهانی" قرار گرفته اند. اکنون هیچ محاسبه ای نمیتواند نیروی طبقه کارگر ایران، زنان و جبهه ازادیخواهی و مساوات طلبی مردم و خواست مبرمشان برای رفاه، آزادی و امنیت در جامعه را خط بزند. هراس

دولت اعتدال و کل بورژوازی ایران از مطالبات اساسی این طبقه است. با "برجام" مصاف جمهوری اسلامی با غرب برای بازخرید بقاء جمهوری اسلامی، به هر قیمت و از جمله به قیمت استحاله، آغاز میشود، اما روند و سرانجام این مصاف خارج از حضور دائم مصاف اکثریت مردم محروم ایران با جمهوری اسلامی و برای بزیر کشیدن آن قابل تصور نیست.

به این اعتبار، باید از انتظار و امید واهی به حل مشکلات در چهارچوب افقه های بورژوازی ایران و جناحهای آن عبور کرد؛ امروز بهترین شرایط برای ایجاد یک سنگر محکم و یک صف بندی و اتحاد طبقاتی ویژه در مقابل جمهوری اسلامی و کل بورژوازی ایران مهیا است. تنها زمانی اینها عقب خواهند نشست که شاهد شکلگیری و عرض اندام مطالبات رفاهی طبقه کارگر، خواست آزادی های گسترده اجتماعی، مبارزه برای برابری و رفع تبعیض و تامین امنیت کامل در جامعه باشند. همه موادی که در منشور "رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران" آمده است باید برافراشته شوند. مطالبات این منشور لازم است به یک خودآگاهی و یا پیش فرض همگانی در جامعه تبدیل شوند. حزب ما این امر را تضمین میکند.

در جهان تا مغز استخوان خفه شده از فریبکاری و وقاحت دول بورژوازی که با انحصار کامل بر میدیای دست بر ماشه، تخریب و جنگ در خاورمیانه را تحت نام امنیت، قتل عام شهروندان غیر مسلح عراقی و سوریه ای را مبارزه با تروریسم و "دموکراسی" میخواند، رژیم اسلامی و کل بورژوازی ایران در حاکمیت و در اپوزیسیون، اعضا معتبر این کلپ اند. داعیه های امروزشان میگوید که درس "دموکراسی" بورژوازی را خوب آموخته اند!

**"شور رفاه، آزادی و امنیت
مردم ایران
را بدست گیرید!**

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist Manshour.html>

مرکب بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

چاره‌ی جزیره‌ی ...

هر گونه انتظار برای افزایش دستمزدها موقوف! اگر تا کنون فصل دستمزدها مجالی برای وقت خریدن بورژوازی برای یک سال دیگر بود، اگر بازی با اعداد و محاسبه‌ی کذایی خط فقر و نرخ تورم با نمایش دلسوزی و کارگر پناهی توام بود؛ دیگر نیازی به این چوب شقه‌ها نیست. بورژوازی در ایران چشم اندازه‌های یک دوره بازسازی سرمایه نه تنها در ایران بلکه در سراسر منطقه را پیش روی خود قرار داده است. در این افق کارگر ایرانی باید جایگزین ارزاترین‌های بازار کار منطقه، از چین تا بنگلادش گردد. تاکنون قراردادهای موقت زیر پای حقوق قانونی کارگر را خالی کرده است. در این مملکت رسماً قانون کار بعنوان چهارچوب حداقل حفاظت از ایمنی و جان و حرمت کارگر در وحشی‌ترین فرم روابط کاپیتالیستی به یک قاب دستمال بی ارزش نزول یافت. کل دولت و قوه قضایی داوطلبانه و با کمال میل به قره نوکرهای مجبزی‌گویی سود و سرمایه تبدیل شده و امروز در پله‌های نهایی این فرومایگی و پستی رجز میخوانند.

از تک تک تصاویر این صحنه مباحثات مقامات دولتی و کارفرمایی در مورد دستمزدها، در فرای مرز پدیده‌های فقر و نابرابری، جنایت میبارد. با مباحثات خود و با نقشه‌تداوم دستمزدهای زیر خط فقر و تا مدت نامعلوم در موازات افسارهای گسیخته از تورم و گرانی و آزادی قیمت ارز و رفع هر گونه مسولیت دولت؛ سیاه بر سفید مینویسند از رادیو و تلویزیون جار میزنند که حق کارگر همین قدر است. ابتدا نیازی به دردرس من و شما برای محاسبه و مقایسه قیمت‌ها و اقلام ضروری زندگی روزمره و غیره نیست. مقامات مربوطه بدقت و خوب میدانند، اندازه گرفته‌اند که این به مایحتاج گوشت و ویتامین نمیرسد، به مسکن

نمیرسد. با این رقم دارند میگویند که کارگر در این حکومت حق تفریح ندارد، حق آسایش ندارد. میگویند کارگر لایق لباس و امکانات خوب نیست. عالیجنابان شورای عالی دستمزد آدمنده، شعور دادند و میدانند که یا این رقم دستمزد سر و ته زندگی به هم نیاید. دارند میگویند بدرک که کارگر جماعت بدلیل نداشتن پس انداز، با اولین نارسایی قلب و کلیه باید با کابوس مرگ هم بستر شوند.

دستمزد اعلام شده بطرز جنایتکارانه ای زیر خط فقر است اما دایره احاطه آن از کارگران شاغل و صرف تولید فراتر است. شورای عالی دستمزد سطح بازنشستگی، سطح انواع دریافتی‌های کارگران از بیمه تا پاداشها را نیز رقم زده است. این رقم مستقیماً دامن کارگران بیکار را نیز میگیرد. با این مصوبه بار دیگر هم اعلام شده اگر کارگران حتی زمانی که از سعادت برخوردارند اگر نمیخواهد از گرسنگی بمیرد باید بیشتر کار کند، قدر اشتغال خویش را بداند و برای حفظ آن به هر خفتی تن بدهد.

این تصویر تکان دهنده است. دستمزد کارگر شریان اصلی تامین زندگی یک خانواده است و در امتداد همان مناسبات دارند تکلیف نسل بعدی کارگر را هم کف دستش میگذرانند. حاکمان جامعه رو به ۱۵ میلیون کودک جامعه خط و نشان میکشند که چقدر میتوانند قد بکشند، چه غذایی میتوانند بخورند، مرز تحصیلاتشان تا کجا میتوانند برود، با تلنبار حسرت خیلی چیزهایی که در دور برشان در جامعه هست باید بسوزند و بسازند. طبقه بورژوا از هم اکنون دارد برای کودکانی که سالها بعد چشم بدنیا خواهند گشود تعیین تکلیف میکند به جرم اینکه والدینش کارگرند، او هم سرنوشتش با فرودستی و بردگی و کار و جان کندن عجین خواهد بود. و بالاخره سخنان امروز حضرات رو به من و شما رسماً اعلام میکند در تصویر از آن جامعه تا

رفاه؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی‌ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

- برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته

- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری‌ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارایه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و...) برابر با مزد متوسط کارگر.

- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

سالهای متمادی حلبی آبادها، فقر،

کارتن خوابها، کار کودک، فرسودگی

طاقت فرسای انسانها، خودکشی کارگر

در مرکز تولیدی جاده ساوه، فروش

کلیه، تباهی و اعتیاد ناشی از این

مناسبات، فحشا و سقوط و منجلاب

و ... همچنان ادامه خواهد داشت.

آنچه در مقابل چشم ما در ایران

۱۳۹۴ میگذرد یک جنگ تمام عیار

علیه طبقه کارگر، علیه یک جمعیت

میلیونی، جمعیتی تشنه سازندگی؛

جنگی علیه شرافت و نفس انسانیت در

آن جامعه است. در این جنگ دارند

مفاهیم حق و حقوق انسانی و

شهروندی در جامعه را شخم میزنند. در

این جنگ شعور انسانها در یک نتیجه

گیری ساده از حقایق ساده تجربه

زندگی انسانها را مورد تجاوز قرار

میدهند.

کارگر در ایران باید بداند دوره

رونقی در کار نیست. در ادامه این

حکومت و مناسبات سهم او تغییری

نخواهد کرد. تبلیغات در مورد سرمایه

داری بدون بحران و با اشتغال کامل،

سرمایه انساندوست یک فریب قدیمی و

حساب پس داده بیش نیست.

در مقابل این توحش باید ایستاد.

بدون هیچ تردیدی شجاعت، از

خودگذشتگی و استقامت در میان این

کارگران و همه انسانهای زحمتکش و

شرافتمند ضروری است. اما طبقه کارگر

و جبهه کارگری چاره ای ندارند بجز

اینکه خواسته‌های خود را به پیش ببرند.

باید پیروز شوند. نمیتوان غرور و حق

طلبی و همبستگی را بیکباره بکناری

نهاد و بگور سپرد.

قدرت طبقه کارگر در تخریب و شکل اوست!

کارگران جهان متحد شوید! Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

مسئله فلسطین، ...

از یکطرف، در دوره ای که قدرتی و تک تازی آمریکا در منطقه بی اعتبار شده است، و سهم خواهی رقبای امپریالیستی در منطقه به اشکال گوناگون ابراز می شوند، در شرایطی که تقابل های نیروها و حاکمان منطقه ای در خاورمیانه فیصله پیدا نکرده اند، دولت صهیونیستی هم فرصتی بدست آورده است تا گسترش نفوذ خود و تحمیل شرایط وخیم تری را به مردم فلسطین فراهم آورد. امروز فاشیسم حاکم، مردم فلسطین را در موقعیتی ضعیف تر از گذشته و مخالف با سیاست های ارتجاعی اش برای پاکسازی قومی را بشدت ممکن تر از سابق می بیند.

از طرف دیگر، گسترش تخصص و حملات اخیر دولت صهیونیستی در این شرایط مورد قبول کامل بورژوازی اسرائیل و معیاری برای مقابله با هرگونه احتمال سیاست های فشار به اسرائیل برای قبول و برسمیت شناسی دولت تام الختیار فلسطینی، از جانب آمریکا می توانست مطرح شود.

این آن شرایطی است که بر متن آن، دولت اسرائیل سعی دارد تا هرچه بیشتر از کارت مذهبی، با پرچم دفاع از یهودیت و حق یهودیان، به گسترش نفوذ خود دست یابد. درعین حال کارت مذهبی و گسترش حضور در اماکن مذهبی، به دولت ناتپاهو امکان می دهد تا مقبولیت سیاسی خود را در میان رقبای دیگر انتخاباتی افزایش دهد و موقعیت مناسب تری برای حزبش بوجود آورد.

حداقل تاریخ هم نشان داده است که راه حل های گوناگون ارائه شده در رابطه با تخصص های دولت صهیونیستی در هر تک موردی، نتوانسته و نمی تواند حتی برای میان مدت هم دوام داشته باشد. مردم فلسطین بیش از پیش، امروز کاملا واقف هستند که هرگونه انتظار پاسخ قاطع و عقب نشاندن دولت اسرائیل توسط حاکمان منطقه و سازمان ملل و دیگر مراجع بین المللی، تنها بیانگر توهم به این مراجع بورژوا امپریالیستی است که با وجود قطعنامه ها و بیانیه های رسمی در مورد دولت تام الاختیار فلسطین، از هرگونه اقدام در این مورد طفره می روند. عدم پاسخگویی به این حداقل خواسته است که مردم فلسطین را به تقابل مستقیم با نیروهای نظامی اسرائیل کشانده می کشاند. امروز نه عباس، و نه هیچکدام دیگر از حاکمان دولت های منطقه، و نه سازمانهای گوناگون بین المللی، مرجعی قابل قبول برای این مردم به حساب نمی آیند و هرگونه توافقی میان آنها نیز، به اذعان خودشان، نتوانسته و نمی تواند به آرام کردن اوضاع بیانجامد. به همین ترتیب امروز دیگر نه محکوم اعلام کردن های سیاست های دولت صهیونیستی توسط جمهوری اسلامی، نه نیروهای سنتی و موجود، نظیر حماس و حزب الله و غیره، دیگر به وضوح، ناقابل خود را برای بستن سدی قابل اتکا در مقابل حملات همه جانبه و نظامی اسرائیل، نشان داده اند. بی جهت نیست که امروز، بیش از هر دوره دیگری، مردم فلسطین خود را تنها تر از همیشه در مقابل سیاست های اولترا راست دولت

صهیونیستی می بینند. اینکه دولت اسرائیل با وجود غر و لند و نق زدن های مراجع بین المللی، می تواند به پاکسازی کامل دست یابد و به آوارگی مردم فلسطین، حتی در اورشلیم رسمیت دهد، و یا اینکه اینبار تقابل ها و عکس العمل های مردم در فلسطین، می تواند کاملا از شکل های سابق خود خارج شده و ابعاد جدیدی بخود بگیرد، هنوز پاسخ حتمی و از

پیش داده شده ای ندارد. امروز بی شک، دنیا بیش از هر دوره ای دیگر، نیازمند حضور قدرتمند و سازمان یافته طبقه ای است که از آن درجه توانایی و امکان سازمانی جهانی برخوردار باشد که بتواند جلوی این جهنمی که سرمایه در مقابل بشریت قرار داده است، بایستد و آنرا یکبار و برای همیشه به زباله دان تاریخ بیاندازد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش رهایی زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان، رئیس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتا یک قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست اش ضامن تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید.

مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است. ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

«شور رفاه، آزادی و امنیت مردم
ایران را بدست گیرید!»

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!